

تأملاتی در باب فتاوی جهادیه علمای شیعه در قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری

محمد حسن رجبی

از سال ۱۲۲۸ قمری، که نخستین سلسله از فتاوا و رسالات جهادیه علمای شیعه ایران و عراق در مخالفت با تجاوز روسیه تزاری به بخشی از سرزمینهای ایران به نگارش درآمد، تا سال ۱۳۳۸ قمری و به مدت یک قرن بیش از یکصد عنوان رساله و فتوای جهاد توسط علمای شیعه ایران و عراق منتشر شد.^۱ این فتاوا از ابعاد مختلف قابل مطالعه است که در این مقاله صرفاً به بررسی تطور و تکامل اندیشه و تجربه سیاسی علما از خلال این آثار پرداخته شده است.

۱. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون در مجموعه جهادی به شرح زیر انتشار یافته است:

- الف. جهادیه، میرزا بزرگ قائم مقام، ابی جا، بی نا، بی تا.
- ب. فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی و نصرالله صالحی، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵.
- آثار زیر نیز به معرفی و بررسی رسالات جهادی در طول قرون سیزدهم و چهاردهم هجری پرداخته اند:
الف. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاصواء، ۱۴۰۳ق. ج ۵، ص ۲۹۶-۲۹۸.
- ب. عبدالهادی حائری، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۷۴-۳۹۸.
- ج. رسول جعفریان، ادب جهادی در دین و سیاست در عصر صفوی، قم، انصاریان، ۱۳۷۰، ص ۳۳۰-۳۳۴.
- د. نصرالله صالحی، کتابشناسی رساله های جهادیه، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷، ص ۲۹۹-۳۱۰.
- ه. هدایت الله بهبودی، ادبیات در جنگهای ایران و روس، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۶-۳۸.
- و. سید حمید میر خندان، سید محمد مجاهد پیشاهنگ جهاد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۹۱-۹۴.

پیش از ورود به بحث اصلی، ذکر این نکته ضروری است که از آغاز قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) و با شروع جنگهای ایران و روس، استعمار اروپایی وارد ایران شد و به تدریج در همه شئون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور نفوذ کرد و نقشه‌های خود را یکی پس از دیگری به اجرا درآورد. این امر، موجب ضعف و انحطاط سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور گردید.

با گسترش استعمار در همه وجوه زندگی و سرنوشت مردم ایران، آگاهی و هوشمندی توده مردم و علما به سیاستهای استعماری نیز افزایش یافت و موجب تحولاتی در فقه سیاسی، اندیشه و تجربه سیاسی علما گردید که در این مقاله در چند محور بررسی خواهد شد:

۱. ناکامیهای نظامی ایران در جنگ اول ایران و روس که به مدت ده سال ادامه داشت - دولتمردان و علما را به این نتیجه رساند که علت عمده شکست ایران از روسیه، ناکارایی سازمان و تجهیزات جنگی ایران نسبت به ارتش مدرن روسیه است. از همین رو، نوسازی ارتش به شیوه اروپایی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود و در خلال جنگ اول ایران و روسیه، عباس میرزا به توسط هیئت مهندسی نظامی فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان بدان اقدام کرد، اما معلوم نبود که این نوسازی که به اقتباس آداب، فنون و آلات جنگی از «کفار» انجامید از نظر شرعی چه حکمی دارد و واکنش علما در برابر آن چیست؟

در سال ۱۲۲۸ قمری که عباس میرزا، برای ختم پیروزمندان جنگ، از علمای برجسته ایران و عراق تقاضای اعلام جهاد کرد، آنان دعوت او را لیبیک گفتند و فتاوا و رسالتهایی در وجوب جهاد با کفار حربی روس به دربار عباس میرزا و فتحعلی شاه ارسال داشتند. علما ضمن فتاوای خویش نوسازی ارتش ایران به کمک مستشاران اروپایی را نه تنها جایز بلکه واجب دانستند. آقا سیدعلی طباطبایی، معروف به «صاحب ریاض» از برجسته‌ترین علمای عتبات در رساله جهادیه خود تأکید کرد:

... جایز است مجاهدین را پوشیدن لباس کفار، خصوصاً در حالتی که باعث چابکی در جنگ باشد و جایز است آموختن آداب حرب از کفار و استعانت از آنها اگر موقوف به امری حرام نباشد و از خیانت آنها ایمن باشد؛ و واجب است اعانت و تقویت کفاری که به اسلام مشیت باشند اگر باعث قوت اسلام شوند؛ و به طریق

۲. به نوشته عبدالرزاق دنبلی، عباس میرزا دو نفر از علمای ایران به نامهای حاجی ملاباقر سلماسی و مولانا صدرالدین محمد تیریزی را نزد علمای عتبات فرستاد تا آنان را نسبت به صدور فتوای جهاد بر ضد روسیه توجیه کند. ر.ک: مآثر سلطانیه، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

اولی واجب است اعانت مسلمانانی که مخالف مذهب اثنی عشری باشند؛ و جایز است استعمال آلات لُهو و لَعِب^۳، اگر نظم سپاه موقوف باشد بر آن...^۴

حاجی میر محمدحسین خاتون‌آبادی، از علمای برجسته ایران و امام جمعه اصفهان در پاسخ به این استفتا که «در آموختن آداب حرب... بعضی از معلمین کفره روسیه و فرنگی... در تعلیم، استعمال طبل و توتک^۵ و بعضی سازها می‌نمایند. استعمال آنها در اصل تعلیم، یا وقت جنگ و استماع مجاهدین چه صورت دارد؟» وی فتوا داد: «استعمال طبل و بعضی چیزهای دیگر که در حرروب و جنگها... استعمال می‌نمایند ظاهر آن است [که] ضرر ندارد.»^۶ او همچنین راجع به استفاده از دانش و تجربه مستشاران فرنگی کافر و معاشرت با آنان چنین نظر داد: «معاشرت به قدر ضرورت... و سایر مایحتاج [کفره فرنگی] به قدری که لابدینه^۷ بوده باشد مطلقاً ضرر ندارد بلکه گاه باشد که واجب بوده باشد.»^۸ در برخی از فتاوی دیگر نیز مواردی از این قبیل می‌توان یافت.

اما پس از پایان دوره اول جنگهای ایران و روس و نفوذ روزافزون و گسترده روسیه و انگلستان در دربار و دولتهای ایران، دیگر نه تنها در حوادث مهم -مانند جنگ انگلستان با ایران در سال ۱۲۷۳ قمری که به اشغال بوشهر و از دست رفتن هرات انجامید- رجوعی به علما نشد بلکه دربار و دولت ایران، همصدا با استعمار، بر ضد منافع ملی گام برمی‌داشتند و از مداخله علما در امور سیاسی به شدت جلوگیری می‌کردند. فتوای تحریم تنباکو توسط میرزا حسن شیرازی در سال ۱۳۰۹ قمری و مقاومت دربار و دولت ایران و نیز دولت انگلستان در برابر آن، نمونه روشنی از همصدایی استعمار و استبداد وابسته در آن دوران است. با وجود این، چنانکه از نامه‌ها، اعلامیه‌ها و فتاوی جهاد علما برمی‌آید آنان در جریان کامل حوادث سیاسی جهان اسلام، به ویژه ایران، قرار داشته‌اند و نحوه رسوخ استعمار را در همه شئون سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای اسلامی نیک دریافته بودند. نمونه بارز و عالی آن را در فتوای جهاد شیخ‌الشریعه اصفهانی به مناسبت ورود ارتش روسیه به تبریز و کشتار آزادیخواهان آن شهر، و حمله استعمارگران ایتالیایی به طرابلس غرب (لیبی) در ۲۶ صفر ۱۳۳۰ ق / ۱۴ فوریه ۱۹۱۲ م می‌توان ملاحظه کرد.

۳. منظور آلات موزیک ارتش است.

۴. میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانی. جهادیه، ص ۶۰. ۵. نوعی نی

۶. میرمحمدحسین خاتون‌آبادی. جهادیه (خطی). کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۲۳۴۸، ص ۹۱ و ۹۲.

۷. ناگزیر از آن. ۸. خاتون‌آبادی، پیشین، ص ۹۵ و ۹۶.

وی پس از حمد و ثنای پروردگار می‌نویسد:

بر هوشیاران و آگاهان، که خواسته‌ها و گناهان تبهکارانه، پندارهای بهبوده و آزمندیهای پست بر آنان چیره نشده است، پوشیده نیست که بیگانگان [استعمارگر] از سده‌های پیشین و در دوره‌های درازمدت، همواره شتابگرانه کوشیده‌اند که دارایی مسلمانان را برابند و بر شهرها و کشورهايشان دست تصاحب گذارند و بر جانهای آنان تسلط یابند. آنان حتی آخرین کوشش خویش را به کار می‌برند تا باورهای مسلمانان را نسبت به خویشتن پریشان کرده برآشوبند و ایمان آنان را سست گردانند و قرآن سراسر حکمت آنان را از میانشان بزدايند و شعائر مذهبی‌شان را بگیرند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود و ویران کنند. بیگانگان همواره در راه دستیابی به این هدفها نقشه‌هایی ویژه ترتیب می‌دهند تا از نتایج این هدفها نیز بهره‌مند شوند.

وی سپس به شرح این نقشه‌ها پرداخته و می‌نویسد:

الف. بیگانگان با کشورهای اسلامی معاهدات بازرگانی بسته و کالاهایشان را مانند خوردنیها، آشامیدنیها، پوشاک، لوازم منزل و ابزار و لوازم صنعتی صادر می‌کنند. در نتیجه، هزاران نفر از صنعتگران و پیشه‌وران مسلمان کار و پیشه خود را از دست داده و به دربوزگی افتادند و روانه کشورهای بیگانه شده و به هر ذلت و هرزگی تن دادند و، ناگزیر، هرگونه اهانت و ستم و شنیدن هر دشنام و ناسزا را به بزرگان دین و دنیای خود تحمل می‌کنند.

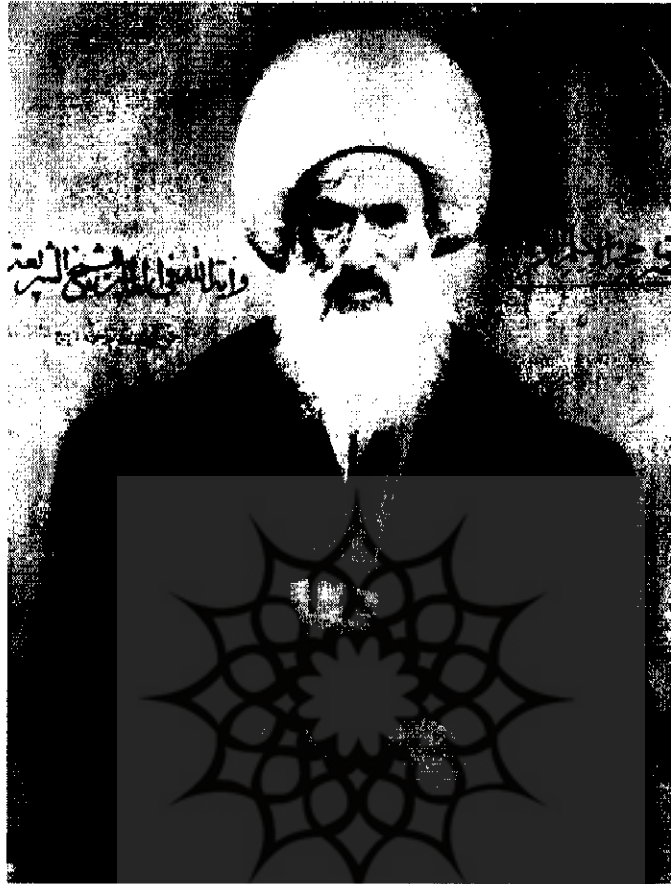
ب. بیگانگان، در مدارس و بیمارستانهایی که تأسیس کرده‌اند، به کودکان کم‌تجربه آموزشهای الحادی می‌دهند و، از این رهگذر، امروزه بسیاری از آنان باورهای دینی مستی دارند.

ج. بیگانگان کتابهای گمراه‌کننده و مغالطه‌آمیز نسبت به اسلام در میان مسلمانان منتشر می‌کنند و مبلغانی در میان آنان می‌فرستند تا، به نظر خود، کاستیهای اسلام را نشان دهند و مسلمانان را به دوری گزیدن از رهبران مذهبی خود برانگیزند.

د. بیگانگان در ازای دریافت طلا و نقره، کالاهای مصرفی و تجملاتی به مسلمانان داده و آنان را مصرف‌پرست کرده‌اند.

ه. بیگانگان در میان طوایف و قبایل مختلف مسلمان، اختلاف، دودستگی و دشمنی برانگیختند و آنان را به مبارزه و جنگ بر ضد یکدیگر تحریک کردند و سپس، به بهانه آشتی میان دو طرف، سلطه خویش را بر هر دو برقرار ساختند.

و. بیگانگان سعی کرده‌اند، با مخدوش و زشت نشان دادن چهره علمای، آنان را نزد مسلمانان بی‌آبرو و بی‌اعتبار کرده و نفوذ کلام و پایگاه مردمیشان را از بین ببرند و



آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی | ۱۱-۵۲۷۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بدینوسیله بنیاد شریعت اسلام را متزلزل و سپس نابود کنند.
 ۲. بیگانگان، با عقد قراردادهای زیانبار سیاسی با کشورهای اسلامی و دادن وام
 به آنها، نفوذ و سلطه بی‌چون و چرای خود را بر کشورهای اسلامی گسترانیده‌اند.

وی در پایان می‌افزاید که همه بیگانگان در این اموری که ذکر شد اشتراک نظر دارند و
 هر یک از دولتهای اروپایی سود فراوانی از این رهگذر می‌برند.^۹
 ۲. سیطره و سلطه استعمار بر کشورهای اسلامی در طول دو قرن دوازدهم و

۹. عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

سیزدهم هجری و نابودی دولتهای مسلمان در هند، ترکستان و قفقاز شمالی در این مدت، و جنگهای متعدد دول استعمارگر با عثمانی و ایران، علمای شیعه ایران و عراق را به این نتیجه قطعی رساند که: اولاً، کفار (استعمارگران اروپایی)، به رغم برخی تفاوتها در سیاست خارجی خود، در دشمنی با اسلام اتفاق نظر دارند؛ ثانیاً، هدف اصلی آنها نابودی اسلام و استقلال کشورهای اسلامی و غارت ثروت و اموال مسلمانان و به ذلت و بردگی کشاندن ایشان است. این معنا را از خلال سفرنامه‌ها، نامه‌ها، و اعلامیه‌های علما طی قرن سیزدهم هجری به وضوح می‌توان یافت. به عنوان مثال، آقا احمد کرمانشاهی -نواده پسر و حید بهبهانی که بسیاری از علمای برجسته آن زمان، با واسطه یا بدون واسطه، از شاگردان جد او بوده‌اند- در سفرنامه خود به نام مرآت‌الاحوال جهان‌نما^۱ طی سفر پنج ساله خود به هند (۱۲۲۰-۱۲۲۵ق)، نحوه ورود کمپانی هند شرقی به آن کشور و تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را بر دولت مسلمان گورکانی شرح می‌دهد.

وی سیاست استعماری انگلستان را در هند به درستی شناخته بود که چگونه، نخست به بهانه تجارت، به هند نفوذ کرد و با تملق و چاپلوسی و پیشکش، دولتمردان را فریفت و جای پای خود را در دربار و دولت هند مستحکم نمود، با تفرقه‌افکنی از درون، اسباب ضعف و اضمحلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور را فراهم ساخت و بدین ترتیب بر سرزمین پهناور هند مسلط شد. از این رو به فتحعلی شاه و دولتمردان ایران هشدار داده اتمام حجت می‌نماید و خداوند را گواه درستی گفته‌های خود می‌گیرد:

احوال اهالی هندوستان و سلاطین آن به سبب معاشرت و مسامحه با جماعت نصاری^۲، رفته‌رفته، از اوج رفعت به حضيض رسید؛ پس بر قدویان و جان‌ناران پایه سریر سلطنت دارالسیف و الایمان ایران، لازم و واجب است که از سوء عاقبت و فساد مال‌دوستی و اُلفت و مصاحبت با این «جماعت مکر طویبت»، اندیشه نموده به نرم‌زبانی و سالوسی و تملق و چاپلوسی این فرقه، فریفته، و به وعده‌های بی‌فروغ این طایفه سراپا حیل، شیفته و خرسند نشوند؛ چه سرمایه ایشان در تسخیر ممالک و بُلدان و تخریب خانه سلاطین و پادشاهان همین است، و هر مملکتی را که اراده تسخیر آن داشته‌اند اول او را به اسم سفارت و تجارت در آن رخنه کرده سرداران و ارکان دولت و رؤساء آن مملکت را به دادن دَرَم و دینار و اقمشه نفیسه و تحایف لطیفه و نرم‌زبانی، فریفته کرده بعد از آن به سهولت تمام بر آن مسلط شده‌اند، چنانچه از مطالعه احوال هند معلوم خواهد شد.

۱۰. آقا احمد کرمانشاهی، مرآت‌الاحوال جهان‌نما، مقدمه و تصحیح و حواشی: علی دوانی، تهران، قبله، ۱۳۷۲.

۲. منظور استعمارگران اروپایی، به ویژه انگلیس، است که مذهب مسیحی دارند.

و تسلط ایشان بر هر دیار نه بس موجب زوال سلطنت و ریاست و حصول بدنامی و ذلت است، بلکه معذک باعث قطع سبیل امر به معروف و نهی از منکر و خرابی دین مبین و انهدام ارکان شریعت سیدالمرسلین است و سبب خسران دنیا و آخرت است. فَأَعْتَبُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ!

متوقع از اصحاب عقل و بینش و ارباب کیاست و دانش، سَمَاسَاطِین نامدار و شاهزادگان والاتبّار و حکام ذوی الاقتدار، آنکه به نظر تعمق و اعتبار در این اوراق ملاحظه فرموده بازی و افسانه طرزایش نگمارند. «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنذِرُكَ وَنَصَحْتُكَ وَ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً*» (ص ۱۹۹ و ۲۰۰).

وی که این سفرنامه را نزدیک به پنجاه سال پیش از آنکه دولت مسلمان گورکانی هند توسط کمپانی هند شرقی انگلستان منقرض شود، نوشته و خاطر نشان می‌کند که حکومت واقعی هند «در تصرف جماعت انگلیسیه است و اکبر شاه... به اسم، پادشاه است» (ص ۱۹۱). سلطنت پوشالی و دست‌نشانده دهلی و دیگر مناطق امیرنشین، تنها برای حفظ ظاهر و پوششی جهت پنهان نگاه داشتن برنامه‌های استعماری انگلستان است و هر زمان که مصالح و منافع آنان اقتضا کند، بدون درنگ، آنها را سرنگون می‌کنند. طبعاً مشاهدات مستقیم آقا احمد و امثال او و نیز طلاب شیعی هند که در عتبات تحصیل می‌کردند^{۱۱} در بیان این حوادث سیاسی در میان حوزه‌های شیعی ایران و عتبات نقش مؤثری داشته است. چه بسا که طلاب شیعه افغان نیز که در مشهد و عتبات مشغول تحصیل بودند و یا به علت تعقیب و آزار مدام از طرف حکومت‌های وقت، به ایران فرار می‌کردند، داستان جنگ‌های بزرگ ضد انگلیسی مردم شیعه و سنی افغان با انگلیسیها در سالهای ۱۲۵۴-۱۲۵۷، ۱۲۹۴ و ۱۳۳۷ قمری و دستگیری و نابودی رهبران جهادی و ضد انگلیسی افغان پس از این جنگها، و نیز حمله گسترده و وحشیانه پادشاه مستبد و وابسته افغانستان، امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۷-۱۳۱۹ق)، به مناطق شیعه‌نشین هزاره را که به ویرانی آن مناطق و کشته شدن دهها هزار نفر از جمله بیش از دو هزار نفر روحانی و بردگی هزاران مرد و زن شیعه هزاره، و فرار هزاران نفر به دیگر نقاط افغانستان و ایران انجامید، در حوزه‌های علمیه مشهد و عتبات نقل کرده‌اند.^{۱۲} اعتراض

* خدا یا گواه باش که بیم دادم و نصیحت کردم و تو را گواه می‌گیرم که گواهی تو کافی است.

۱۱. برای اطلاع از نام و شرح حال آنان رک: سیدمرتضی صدرالافاضل. مطلع الانوار، احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند. ترجمه محمد هاشم. مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

۱۲. برای اطلاع از شرح جنایت امیر عبدالرحمن خان نسبت به شیعیان هزاره رک: ملا فیض محمد کتاب.

شدید میرزای شیرازی به ناصرالدین شاه برای جلوگیری از کشتار مردم هزاره^{۱۳} گویای این مطلب است که علما و روحانیون ایران و عراق کم و بیش در جریان حوادث سیاسی افغانستان نیز قرار داشته‌اند.

اشاره علمای عتبات به سرنوشت رهبران ضد استعماری ترکستان و قفقاز در مبارزه با روسیه تزاری^{۱۴} گویای اطلاع آنها از حوادث سیاسی آن مناطق و مقاومتهای مردم مسلمان آنجاست.

در اعلامیه‌ها و نامه‌های متعدد دیگری که علمای شیعه عتبات در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ قمری انتشار داده‌اند از مقاومت عشایر مسلمان طرابلس غرب (لیبی) در برابر استعمارگران ایتالیایی ستایش شده^{۱۵} و در برابر دول متفق (انگلیس و روس و فرانسه)، که به دولت عثمانی اعلام جنگ دادند، اعلام جهاد شده است.^{۱۶}

۳. در قرن سیزدهم هجری دولتهای استعمارگر اروپایی برای تضعیف و شکست و ذلت مسلمانان جنگهای متعددی را با کشورهای مسلمان، به ویژه کشور عثمانی که مظهر خلافت اسلامی در نزد اغلب مسلمانان جهان و نیز اروپاییان محسوب می‌شد، به راه انداختند. از نظر علمای شیعه، هدف از این جنگها چیزی جز نابودی حاکمیت

→ سراج‌التواریخ، قم، ارگان نشریاتی سید جمال‌الدین حسینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ب ۱، میرمحمد صدیق فرهنگ افغانستان در پنج قرن اخیر. مشهد، انتشارات درخشش، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۲-۳۹۷؛

میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، قم، صحافی احسانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۰۶۰-۱۰۶۷. به نوشته ملا فیض محمد، در ماه رجب ۱۳۱۰ قمری، امیر عبدالرحمن خان دستور داد «هر قدر سید و ملا و کربلایی و زوآر در هزاره‌جات باشد، اگر مفسده‌گر [یا] مصلح [باشند]، همه را گرفتار نموده و در ملک هزاره‌جات [نمانده، همه را با عیال و اطفال ایشان روانه کابل نمایند]» (سراج‌التواریخ، ج ۳، ص ۲۹۵).

میرغلام محمد غبار نیز می‌نویسد: «مردم هزاره تلفات زیادی دادند و تلفات روحانیون نسبت به فنودالها بیشتر بود؛ زیرا فنودالها اغلب به دولت تسلیم شدند در حالی که روحانیون کشته و یا فراری گردیدند. [فقط] از [منطقه] «یک اولنگ»، صد خانوار روحانی [شیعه] به دست دولت افتاده و یک هزار خانوار روحانی موفق به فرار گردید و دو هزار و یکصد روحانی در جنگ کشته شدند.» (افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، ص ۱۰۶۵)

۱۳. سیدمهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، قم، صحافی احسانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۰۵.

۱۴. در تلگرامی که در تاریخ ۲۲ صفر ۱۳۳۰ قمری از طرف آیات عظام: سید اسماعیل صدر، میرزا محمدتقی شیرازی و شیخ عبدالله مازندرانی به بلاد ایران مخابره شد آمده است:

... عشایر و ایلات مملکت که قوای دفاعیه دولت و ملت است... ذلت اسارت در چنگال اجانب و به روز سیاه خوانین قفقاز و ترکستان و غیرهم تشستن را بر خود روا ندارند...

ر.ک: سید حسن نظام‌الدین زاده، هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران. به کوشش نصرالله

صالحی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۷، صص ۱۲۳ و ۱۱۶.

۱۵. همان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۱۶. جهادیه، فتاوی جهادیه... (اغلب صفحات).

اسلامی نبوده؛ از این رو، با وجود دشمنیها و اختلافات شدید مذهبی و سیاسی گذشته میان دولتهای عثمانی و صفوی، که به چندین جنگ خونین بین دو طرف منجر شد، و با وجود سختگیریها و نامهربانیهای فراوان حکام عثمانی نسبت به شیعیان تحت قلمرو خود، به ویژه مردم و علمای شیعه ساکن عتبات، همدردی زیادی از طرف شیعیان با دولت عثمانی نشان داده شد.

علمای شیعه عتبات به علت تجاوز استعمارگران ایتالیایی به لیبی (از متصرفات عثمانی) و اشغال خاک آن کشور در سال ۱۳۲۹ قمری، بر ضد ایتالیا اعلام جهاد کردند^{۱۷} و در آغاز جنگ اول جهانی و به تبعیت از شیخ الاسلام عثمانی در سال ۱۳۳۲ قمری بر ضد متفقین و به حمایت از «دولت علیه عثمانی»^{۱۸} فتاوی جهاد دادند و تأکید نمودند که «این [فتوا]، یک حکم و دستور دینی است و اختلافی بین [شیعیان] ایرانی و [سننیان] عثمانی وجود ندارد.» همچنین از سران عشایر شیعه عرب خواستند تا همصدا با سایر مسلمانان با سلاح و هر آنچه در اختیار دارند به دفاع از بصره و دیگر شهرهای عراق (از متصرفات امپراتوری عثمانی در آن زمان) بپردازند.^{۱۹}

پس از پایان جنگ و شکست عثمانی، عراق به اشغال انگلیسیها درآمد. علمای شیعه این بار نیز بر ضد انگلیسیها اعلام جهاد کردند و بسیاری از آنان به جبهه‌های نبرد شتافتند و فرماندهی مجاهدان را در دست گرفتند.^{۲۰} این در حالی بود که نه تنها از سوی حاکمان و مأموران عثمانی در عراق هیچ‌گونه کمک نظامی و سیاسی به مجاهدان نمی‌شد بلکه آنها با افزودن بر مالیاتها و دستگیری تعداد زیادی از مجاهدان و آزار و اذیت شیعیان، آشکارا، در مبارزه ضد انگلیسی شیعیان کارشکنی نموده روحیه رزمندگان را تضعیف می‌کردند.

البته ایثار و مجاهدات علما و شیعیان عراق در دفاع از استقلال عراق و بیرون راندن

۱۷. همان

۱۸. رک: فتاوی آیت‌الله سید کاظم طباطبایی یزدی، مورخ ۱۳۳۲ق / ۱۹۱۴م. در جهادیه، فتاوی جهادیه...، ص ۶۳

۱۹. نامه دعوت آیات عظام: شیخ الشریعه اصفهانی، سید مصطفی کاشانی، میرزا مهدی خراسانی و سید علی تبریزی از شیخ خزعل حاکم خوزستان برای شرکت در جهاد علیه انگلیسیها. جهادیه، فتاوی جهادیه...، ص ۶۰

۲۰. برای اطلاع بیشتر رک: عبدالحلیم رهیمی، تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹-۲۳۳؛ سلیم‌الحسنی نقش علمای شیعه در روبرویی با استعمار ۱۹۰۰-۱۹۲۰م / ۱۲۷۹-۱۲۹۹ش، ترجمه محمد باهر و صفاءالدین تیرانیان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، ص ۷۹-۲۲۷.

دشمنان اسلام، به تدریج، بر علما و مردم اهل سنت عراق نیز آشکار شد و موجب شد برخی از علمای اهل سنت، در مبارزه ضدانگلیسی، با علمای شیعه همصدا شوند.^{۲۱} این وحدت سیاسی میان علمای شیعه و سنی که در جریان مبارزه‌ای ضد استعماری و سرنوشت‌ساز صورت گرفت بدون آنکه دولتهای ایران و عثمانی، کوچک‌ترین نقشی در آن داشته باشند - از فصول درخشان تاریخ اسلام است که تا آن زمان و پس از آن تاکنون بی سابقه بوده است.

۴. مطلب قابل تأمل آن است که پس از قیام تنباکو، هرچند علمای شیعه نتوانستند نسبت به مسائل مهم و سرنوشت‌ساز سیاسی جامعه ایران (مانند جنبش مشروطه، و بعدها ملی شدن صنعت نفت در ایران) به اتفاق نظر سیاسی دست یابند، اما در حوادث مهمی که استقلال سیاسی جهان اسلام - و از جمله ایران - را آشکارا تهدید می‌کرد، موضع سیاسی واحد و قاطعی اتخاذ کردند. آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی، که از جمله مراجع عتبات بود و در صدر علمای مخالف مشروطه قرار داشت، طی سه سال (۱۳۲۹-۱۳۳۲ قمری) - یعنی از آغاز حمله ایتالیاییها به لیبی تا اعلام جنگ متفقین بر ضد عثمانی - یازده فتوای جهاد برضد متجاوزان اروپایی صادر کرد^{۲۲} و فرزندش را نیز به جبهه‌های نبرد جنوب عراق به مصاف با اشغالگران انگلیسی فرستاد که او در همین نبرد به شهادت رسید.

به این ترتیب، برخلاف آنچه که در تاریخ‌نگاری معاصر ایران رایج است، نمی‌توان آیت‌الله یزدی و امثال او را به دلیل مخالفتشان با مشروطه، محافظه‌کار و یا طرفدار استبداد نامید. مشروطه حقیقت ثابت و لایتغیری نبود که بتوان مواضع سیاسی افراد و گروهها، و از جمله علما، را با آن سنجید زیرا؛ اولاً، مشروطه از بدو ظهور تا چند سال بعد فراز و نشیبهای زیادی پیمود و جهت‌های مختلفی پیدا کرد به طوری که عین‌الدوله صدراعظم دولت استبداد، که از مخالفان سرسخت مشروطه بود، چند سال پس از پیروزی مشروطه، صدراعظم دولت مشروطه شد! ثانیاً، رهبران برجسته مذهبی و ملی مانند آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری و ستارخان، که نقش مهمی در پیروزی مشروطیت داشتند، خود قربانی تندروی مشروطه‌خواهان شدند؛ ثالثاً، چند سال پس از مشروطه، علمای مشروطه‌خواهی مانند آیت‌الله سید محمد طباطبایی و علامه نائینی، که روند حرکت مشروطه را برخلاف تصور خود یافتند، چنان از مشروطه سرخورده شدند که دیگر کلمه‌ای در تأیید آن بر زبان نراندند.^{۲۳}

۲۱. تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲۲. ر.ک.: جهادیه، فتوای جهادیه... (اغلب صفحات)

۲۳. عبدالهادی حائری. تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۳۳۴.